

ظلم‌ستیزی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بیانات امام خمینی علیه السلام

و روابط بینامتنی آنها با نهج‌البلاغه

مهرناز ابراهیم زاده* / زینب السادات حسینی** / مصطفی کمالجو***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

چکیده

ظلم‌ستیزی و برقراری عدالت از اهداف بعثت پیامبران الهی علیهم السلام و اصول اولیه آنان بوده که قرآن و روایات به‌خصوص نهج‌البلاغه بر آنها تأکید نموده‌است. ازجمله شاگردان این مکتب، امام خمینی علیه السلام، با تأسی به این اصول، مبارزه با ظلم را جهت تشکیل حکومتی اسلامی، به‌منصه ظهور رسانده‌است. این امر دربیانات و عملکرد ایشان مشهود است. این پژوهش با مبنا قراردادن اثر «صحیفه امام»، تأثیرپذیری او از این الگوها را با روش نوین مطالعاتی بینامتنی، به‌صورت توصیفی-تحلیلی با نهج‌البلاغه بررسی نموده و ضمن بررسی روابط بینامتنی ژنتی، گونه‌های فرعی‌تر بلاغی را نیز اعمال کرده‌است. از بررسی ۳۳ کلام از بیانات امام خمینی علیه السلام درباره ظلم‌ستیزی در صحیفه نور که با نهج‌البلاغه رابطه بینامتنی داشتند، به‌دست آمد که ۱۹ مورد دارای رابطه بینامتنی از نوع اول ژنتی یعنی آشکار-تعمدی و ۱۴ مورد نیز دارای رابطه بینامتنی ژنتی از نوع سوم یعنی ضمنی داشته‌اند و موردی از نوع دوم یعنی پنهان-تعمدی دربیانات امام یافت نشد. درنهایت، با بررسی بیانات امام خمینی علیه السلام، درباره ظلم‌ستیزی، تأثیرپذیری آگاهانه ایشان از کلام و سیره حضرت علی علیه السلام اثبات می‌شود و می‌توان دریافت که آموزه‌های نهج‌البلاغه را می‌توان درجای جای کلام امام مشاهده کرد و به موازات آن، به این نتیجه رسید که از اهداف این نظام مقدس، برپایی عدل و قسط و مبارزه با هرگونه ستمگری و بیداد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

ظلم‌ستیزی، حضرت علی علیه السلام، امام خمینی علیه السلام، بینامتنیت ژنتی، نهج‌البلاغه.

*. کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، m.ebrahimzadeh5597@gmail.com

**. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (نویسنده مسئول).

***. z.Hosseini@umz.ac.ir

***. دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، kamaljoo@umz.ac.ir

۱. مقدمه

دستیابی به عدالت، همواره از آرزوهای بشر بوده است. در این میان، حکومت‌هایی که برآمده از ادیان الهی بودند، رسیدن به عدالت و گسترش آن را از جمله اهداف اصلی خود می‌دانستند و در این راستا سعی کرده‌اند تا با ظلم، مبارزه گسترده داشته باشند. با اندک تأملی در گفتار و بیانات امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به وضوح این نکته به دست می‌آید که بحث عدالت و مبارزه با ظلم، جایگاه ویژه‌ای نزد آن حضرت داشته است، چنانچه ایشان فرموده است: «الْعَدْلُ قِوَامُ الْبَرِيَّةِ وَ جَمَالُ الْوُلاَةِ؛ دادگری قوام رعیت و زیبایی فرمانروایان است» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹، ص. ۸۹۴). در صورت عدم وجود عدالت ظلم در جامعه وجود می‌آید که لازم است جوامع در سایه رهبری مقتدر و الهی به ظلم ستیزی بپردازند. سید روح الله موسوی خمینی قدس سره، از مراجع تقلید شیعه در زمان معاصر بود که با روحیه مبارزه و جهاد در راه خدا توانست برای نخستین بار، جمهوری اسلامی را در ایران بر پایه تفکرات ظلم‌ستیزی خود پی‌ریزی نماید. امام بر اساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی معتقد بود که مبارزه با ظلم و ستم یکی از وظایف خطیر مسلمانان است و این موضوع را بارها در سخنانش خطاب به قشرهای مختلف مردم، یادآور شد. وی با برافراشتن پرچم ظلم‌ستیزی، سبب فروپاشی حکومت فاسد و ستمگر پهلوی در ایران شد. با پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی، توجه به موضوع عدالت، به عنوان یکی از نتایج مهم انقلاب اسلامی، در رأس برنامه‌های نظام قرار گرفت. اهمیت اقامه قسط و عدل در جمهوری اسلامی ایران تا جایی است که قانون اساسی آن، با آیه ۲۵ سوره حدید که هدف بعثت پیامبران علیهم السلام را برپایی عدالت می‌شمرد، آغاز شده و به عنوان مثال در اصل دوم قانون اساسی به دنبال نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بوده و گسترش قسط و عدل را هدف خود دانسته است (قانون اساسی، اصل ۲). همچنین تشکیل بعضی از نهادها و شوراهای ساختار نظام جمهوری اسلامی، به منظور تأمین قسط و عدل اسلامی بوده است (قانون اساسی، اصل ۱۰۴). بنابراین، با توجه به تمسک امام خمینی قدس سره به دین اسلام و الگوگیری ایشان از اسلام، مورد انتظار است که بیانات امام نیز در تمام جهات برگرفته از منابع اصلی دین، از جمله، از نهج البلاغه باشد. برجسته کردن این امر نشان می‌دهد نظام جمهوری اسلامی بر اساس اهداف الهی از جمله ظلم‌ستیزی و برقراری عدل و داد بنا شده است و بر همگان واجب است که

با توجه به این مهم، به اهداف و عملکرد این نظام بپردازند.

این پژوهش، بنا دارد تا با مقایسه کلام حضرت علی علیه السلام، در نهج‌البلاغه با سخنان امام خمینی رهبر در صحیفه نور، به این مسئله بپردازد که جمهوری اسلامی ایران با تئیت برقراری عدالت در جامعه بنا شده است و عقاید رهبر انقلاب اسلامی ایران برگرفته از منابع اصلی دین اسلام، به‌ویژه کلام حضرت علی علیه السلام نیز بوده است. در این نوشتار، مواردی از فرمایشات امام خمینی رهبر با محتوای ظلم‌ستیزی که انواع روابط بینامتنی با نهج‌البلاغه داشتند، ارایه شد و از بقیه، به جهت مشابهت با توجه به حجم مقاله، صرف‌نظر شده است. روش مقایسه کلام‌ها در این پژوهش، با روش بینامتنیت خواهد بود که از جمله روش‌های نوین نقد ادبی متون است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. براساس این نظریه، هر متنی دارای گذشته است و می‌توان آن‌را به متن یا متون دیگری مرتبط ساخت. البته باید در نظر داشت که ارتباط بین متون، جدای از زمینه فرهنگی آنها نمی‌باشد. بینامتنیت را تعدادی از نظریه‌پردازان و زبان‌شناسان، در نیمه دوم قرن بیستم، پایه‌گذاری کردند، از جمله این افراد می‌توان به میخائیل باختین^۱، ژولیا کریستوا^۲ و ژرار ژنت^۳ اشاره کرد که هر یک، روش‌هایی را برای مطالعات خود انتخاب کردند و بعدها در بین محققان نیز مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت. از آنجا که ژنت با دید گسترده‌تر از کریستوا، به بررسی متون با یکدیگر می‌پردازد، این پژوهش نیز همزمان روش ژنت و بلاغت اسلامی را به‌صورت تطبیقی برگزیده و به تأمل در سخنان امام خمینی رهبر از مجموعه «صحیفه امام رهبر» در موضوع ظلم‌ستیزی با قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته است. درمیان سخنان امام خمینی رهبر در مجموعه «صحیفه امام»، سخنانی مشاهده می‌شود که درجهت مقابله با ظلم و ستم است. در این پژوهش، متن حاضر، سخنان امام خمینی رهبر و متن غایب، نهج‌البلاغه است و روابط بینامتنی میان آنها از نوع ژنت و مطابق با بلاغت اسلامی بیان می‌شود.

بدین ترتیب، سوال تحقیق عبارت است از اینکه: بیانات امام خمینی رهبر چه رابطه بینامتنی

با نهج‌البلاغه در خصوص مسأله ظلم‌ستیزی دارد؟

1. Mikhail Bakhtin(1895-1975)

2. Julia Kristeva(1941-)

3. Ge'rard Genette(1930-2018)



درمورد پیشینه این پژوهش لازم به ذکر است که براساس جستجو به عمل آمده، ساسانی (۱۳۸۴)، مقاله تأثیر روابط بینامتنی در خوانش متن، را نگاشته و روابط میان عناصر درون متن با بیرون از متن و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری معنای کلی متن و در نتیجه، معنایی که فراتر از برآیند معنای تک‌تک عناصر درون متن و ساختار درونی متن است، را بررسی نموده است. فاطمه سیفعلی‌ئی و سید محمدرضا حسینی‌نیا (۱۳۹۸)، مقاله جلوه‌های بینامتنی آیات قرآن در حکمت‌های اخلاقی نهج البلاغه، را منتشر کردند و به این مسئله اشاره نمودند که نهج البلاغه از متونی است که با مفاهیم قرآن ارتباطی تنگاتنگ دارد و امام علی علیه السلام نه تنها در موارد بسیاری به آیات وحی تصریح نموده‌اند بلکه سایر سخنان آن حضرت نیز برگرفته از مکتب وحی بوده و روح معنوی و الهی قرآن در آن متجلی است. حیدرزاده (۱۳۹۱) در کتاب مبانی حکومت اسلامی در نهج البلاغه، با رویکردی بر نظر امام خمینی قدس سره، ویژگی‌های حکومت از منظر امام علی علیه السلام را بررسی کرده است و به ضرورت حکومت از منظر عقلا و اجماع فقهای شیعه دست یافته و حق و حقوق مردم و حاکم در چنین حکومتی را برشمرده است. فتاحی‌زاده و سقا (۱۳۹۳) نماد اخلاق اجتماعی نهج البلاغه و صحیفه امام را در مقاله‌ای با رویکرد بینامتنی بررسی کردند و بیشترین فراوانی را از گونه‌های حل و تلمیح یافتند. نامور مطلق (۱۳۹۴ ش). در کتاب درآمدی بر بینامتنیت، روش ژنت در بینامتنیت را توضیح داده است. میرجلیلی (۱۳۹۵) در مقاله تأثیرپذیری امام خمینی قدس سره از الگوی نظارتی امام علی علیه السلام بر کارگزاران، صرفاً فراگرد نظارت امام علی علیه السلام بر کارگزاران را در قبل و بعد از مسئولیت بررسی کرده و ضمناً با رویکرد بینامتنی نبوده است تا فراوانی موارد استخراج گردد. بنابراین، چنانکه ملاحظه می‌گردد گرچه کتاب‌ها و مقالاتی نزدیک به عنوان این پژوهش و یا با رویکرد بینامتنی نوشته شده‌اند اما روابط بینامتنی بیانات امام خمینی قدس سره در موضوع ظلم‌ستیزی و عدالت در جمهوری اسلامی ایران با نهج البلاغه در دو محور توصیه‌های امام خمینی قدس سره به مردم و مسئولان بررسی نشده است.

۲. تعریف بینامتنیت و بینامتنیت ژنتی

یکی از روش‌های نقد ادبی متون که امروزه به کار برده می‌شود، بینامتنیت است. در واقع بینامتنیت به این معناست که هر متن از متون دیگر نشأت می‌گیرد و روابط بین متون سبب می‌شود تا خواننده بتواند حدس و گمان‌هایی از محتوای متنی که می‌خواند، داشته باشد. «به عبارت دقیق‌تر،



برپایه اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند. همچنین هیچ متنی، جریان یا اندیشه‌ای اتفاقی و بدون گذشته خلق نمی‌شود، بلکه همیشه از پیش چیزی یا چیزهایی وجود داشته است» (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ص. ۲۴). به این ترتیب، روابط بینامتنیت پدیده نوظهوری نیست و همواره در طول تاریخ بشریت وجود داشته است.

از نیمه دوم قرن بیستم، منتقدان و زبان‌شناسان نظریه‌های متنوعی را در حوزه ادبیات بیان کردند که تحولی بزرگ در زمینه زبان‌شناسی محسوب می‌شود، از جمله: ژرار ژنت، رولان بارت^۱، میخائیل باختین^۲، ژولیا کریستوا، میخائیل ریفاتر^۳، فردینان دوسوسور^۴، گراهام آلن^۵ (آذر، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). در خصوص بینامتنیت، ابتدا، باختین در آثارش مباحثی را درباره گفتگومندی بیان کرد که زمینه ظهور بینامتنیت را فراهم آورد. سپس کریستوا بلغاری‌تبار، اولین کسی بود که واژه بینامتنیت را به کار برد و مباحث آن‌را ارائه نمود. او پس از مهاجرت به فرانسه، به مطالعه در زمینه ادبیات مشغول شد و قبل از سی سالگی تعدادی از مهم‌ترین آثارش را درباره بررسی ساختاری متون ادبی منتشر کرد. وی از جمله نظریه‌پردازان ساختارگرا بود (احمدی، ۱۳۷۰، ص. ۳۲۴-۳۲۵). از منظر کریستوا بینامتنیت بر این اندیشه بنا نهاده شده است که هر متن، نظامی مستقل، خودکفا و بسته نیست. بلکه پیوندی تنگاتنگ و دوطرفه با سایر متون دارد. درواقع، به نظر می‌رسد که هر متنی مکالمه‌ای پیوسته میان خود و دیگر متون دارد که ممکن است هم‌عصر آن متن یا متعلق به گذشته باشد و یا حتی ادبی یا غیرادبی باشد. «کریستوا معتقد است هیچ متنی آزاد از متون دیگر نیست» (ایرنا ریما، ۱۳۸۴، ص. ۷۲).

بعد از باختین و کریستوا، نوع دیگری از بینامتنیت که بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته، بینامتنیت ژنتی است. ژرار ژنت سرپرست مجموعه‌ای از انتشارات «سوی»، مهم‌ترین آثار ساختارگرایان را منتشر می‌کرد و خود بعد از انتشار سه جلد کتاب مجازها، در جمع مهم‌ترین پژوهشگران بررسی ساختاری متن قرار گرفت. ژنت در سال ۱۹۷۸، الواح بازنوشتی را درباره مسأله بینامتنیت نگاشت و پس

- 1 . Roland Barthes
- 2 . Mikhail Bakhtin
- 3 . Mikhael Riffaterre
- 4 . Ferdinand de Saussure
- 5 . Graham Allen



از یک سال کتاب زمینه‌ها را منتشر کرد (احمدی، ۱۳۷۰، ص. ۳۰۸). ژنت با دید گسترده‌تر از کریستوا و بارت، به بررسی متون با یکدیگر پرداخت. ژنت در قلمرو ساختارگرایی و نشانه‌شناسی و حتی پس‌ساختارگرایی مطالعه کرد و همین مسئله سبب شد تا روابط میان‌متنی را با همه متغیرانش مورد مطالعه و بررسی دهد. او مجموع این روابط را ترامتیت نامید. «ترامتیت چگونگی ارتباط یک متن با متن‌های دیگر است. ژنت این روابط را به پنج دسته بزرگ یعنی بینامتیت، پیرامتیت، فرامتیت، سرمتیت، پیش‌متیت تقسیم نمود» (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۸۵). از منظر ژنت، بینامتیت رابطه هم‌حضور دو متن است. به این معنا که اگر بخشی از متن اول در متن دوم شرکت داشته باشد، درواقع، رابطه آن دو رابطه بینامتیتی است. «ژنت در همین توضیحات بسیار مختصر، بینامتیت خود را به سه دسته بزرگ تقسیم کرد: صریح و لفظی، کمترصریح و غیرصریح، و باز کمترصریح» (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۸۷-۸۸). به این ترتیب، هر بینامتیت دارای سه رکن اساسی است: متن حاضر، متن پنهان و عملیات بینامتیتی.

با توجه به در نظر گرفتن عناوین فرعی بلاغت اسلامی، ضمن اعمال روش ژنت، می‌توان نوع رابطه متون با یکدیگر را دقیق‌تر بیان نمود و بهتر به نتیجه مطلوب رسید. از این رو، این پژوهش این روش را برگزیده است.

۱-۲. هم‌پوشانی انواع بینامتیت ژنتی و بلاغت اسلامی

اندیشمندان مسلمان بخشی از منابع بلاغی را به بررسی آرایه‌های علم بدیع مانند تلمیح، اقتباس، حلّ و... اختصاص داده‌اند که امروزه با تعبیر و اصطلاحات انواع بینامتیتی ژنتی قابل تطبیق است. البته در برخی موارد این اصطلاحات در کتب بلاغی به صورت نظام‌مند مطرح نشده‌اند و فقط در حد تعریف و بیان مثال باقی مانده‌اند و نکته دیگر اینکه؛ بسیاری از منابع بلاغی، آرایه‌های بدیع را در قالب سرقت‌های ادبی، مورد بررسی قرار داده‌اند. حال آنکه بدیهی است اگر نویسنده یا گوینده‌ای قصد فریب دیگران را نداشته باشد، همواره تحت تأثیر دانش‌های از پیش آموخته خویش قرار دارد و استفاده از این آرایه‌ها نه تنها سرقت ادبی نیست، بلکه نشانه مهارت و توانایی بالای نویسنده یا گوینده است.

در میان مطالعات اهل بلاغت، در اینکه هنگام استفاده از متون، چه زمانی سرقت ادبی رخ داده است یا در چه مواردی بحث توارد و یا بینامتیت مطرح می‌شود، اختلاف نظر وجود دارد. با توجه



به این که مضامین و معانی نزد انسان‌ها در همه جای عالم مشترک است، بسیار سخت است که شخصی مدعی شود که مبدع و خالق مضمونی است و ثابت کند کس دیگری پیش از وی آن معنا را مطرح نکرده باشد (مرتضایی، ۱۳۹۳، ص. ۵۹).

این مسئله، به خصوص درباره موضوع این پژوهش بسیار جدی‌تر مطرح می‌شود؛ چراکه موضوع این پژوهش، بررسی رابطه سخنان امام خمینی رهبر، با منابع دینی چون نهج البلاغه است؛ از آنجایی که ایشان دانش آموخته مکتب اسلام بوده و با توجه به مقام و منزلت و جایگاه علمی، معنوی، اجتماعی و سیاسی ایشان، مسلم است بحث سرقت‌های ادبی به هیچ عنوان مطرح نمی‌باشد. بنابراین، در استفاده از تعاریف علم بدیع و انواع بینامتنیت ژنتی، سرقت‌های ادبی به طور کامل منتفی است.

۲-۲. انواع بینامتنیت ژنتی و موارد بلاغی منطبق با آن

گونه‌های فرعی بینامتنیت ژنتی، طبق نظر یکی از پژوهشگران معاصر، مطابق با بخش‌هایی از بلاغت اسلامی است و وی آنها را این گونه تقسیم‌بندی کرده است: بینامتنیت آشکار-تعمدی، بینامتنی پنهان-تعمدی و بینامتنی ضمنی (صباغی، ۱۳۹۱، ص. ۶۶). از آنجا که این عناوین نسبت به عنوان‌های اقسام ژنتی شفاف‌ترند، در این پژوهش از این عناوین استفاده گردیده و نیز از آنجا که نوع دوم- به تعبیر ژنت کمتر صریح و غیر صریح،- در واقع پنهان کاری و سرقت ادبی است و در سیره امام خمینی رهبر جایگاهی ندارد، حذف گردیده است. بنابراین، ضمن تلفیق اصطلاحات ژنتی با اصطلاحات رایج در بلاغت اسلامی و حذف نوع دوم، روابط بینامتنی در کلام امام می‌تواند یکی از موارد ذیل باشد:

۲-۱. بینامتنیت آشکار-تعمدی

این نوع بینامتنیت از نظر ژنت، «صریح و لفظی» می‌باشد. در واقع نقل قول‌های با ارجاع و بدون ارجاع جزو این دسته از بینامتنیت هستند (نامور مطلق ۱۳۸۶، ص. ۸۸). در این نوع از بینامتنیت، نویسنده یا گوینده، همه یا بخشی از متن پیشین را در کلام خود استفاده می‌کند که این نوع پیوند بینامتنی را در بلاغت اسلامی، تحت عنوان تضمین و گونه‌های فرعی آن تعریف کرده‌اند (صباغی، ۱۳۹۱، ص. ۶۵). برخی از گونه‌های فرعی تضمین مدنظر این پژوهش، شامل: تولید، حسن اتباع، اقتباس، حل و ترجمه است.



۱. تولید: معنای تولید در لغت، زایانیدن و پروردن است و در علم بدیع، منظور آن است که شاعر یا نویسنده‌ای بخشی از متن خود یا تمام آن را در کلام خود بیاورد، اما مفهوم دیگری از آن پدید بیاورد (انوشه، ۱۳۸۱ ج ۲، ص. ۴۱۱).

۲. حسن اتباع: منظور از حسن اتباع آن است که شاعر یا نویسنده، مضمونی را از دیگری بگیرد و به صورت آراسته‌تر و با اسلوب بهتری در متن خود استفاده کند (رادفر، ۱۳۶۸، ص. ۴۷۷).

۳. اقتباس: اقتباس در لغت یعنی گرفتن پاره آتش است و در اصطلاح بدیع، منظور آوردن همه یا بخشی از آیات قرآن یا یک حدیث یا سخن فرد دیگری است (انوشه، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۴).

۴. حل: آوردن مضمون شعری دیگر با خارج کردن آن از وزن و صورت شعری، در صورتی که همه یا بیشتر الفاظ آن شعر در متن مورد نظر باشد را حل گویند. آوردن ترجمه یا مضمون آیه یا حدیثی با تغییری اندک را نیز حل می‌گویند (رادفر، ۱۳۶۸، ص. ۴۸۹).

۵. ترجمه: ترجمه یعنی برگرداندن مطلبی از زبانی به زبانی دیگر و این کار هم در نظم و هم در نثر رایج است و نشان‌دهنده هنر ادبی ارزنده‌ای است (همایی، ۱۳۶۱، ص. ۳۷۳).

۲-۲. بینامتنی ضمنی:

این نوع بینامتنی از دیدگاه ژنت، «باز کمتر صریح» می‌باشد. به این معنا که نسبت به نوع دوم که به تعبیر ژنت «کمتر صریح و غیر صریح» نام دارد، وام‌گیری و برگرفتنی او چندان آشکار نیست. علاوه بر آن، «غیر صریح» نیز می‌باشد، زیرا هنرمند به‌طور عمدی و آگاهانه قصد پنهان‌کاری دارد. لذا ژنت نوع سوم را «باز کمتر صریح» نامید، اما این نامگذاری از جهت آشکار نبودن و معنای ضمنی داشتن به‌مثابه نام اولی قابل پذیرش می‌باشد، اما لازم بود که ژنت در این نامگذاری، اشاره‌ای نیز به جنبه عدم قصد پنهان‌کاری هنرمند می‌نمود که این نقیصه در پژوهش یکی از معاصران ضمن تعریف از این نوع، رفع شده است (صباغی، ۱۳۹۱، ص. ۶۶) و آورده است که در این نوع از پیوند بینامتنی، رابطه میان متن حاضر و متن گذشته به‌طور کامل آشکار نیست و نویسنده یا گوینده قصد پنهان‌کاری ندارد، بلکه با استفاده از نبوغ هنری خود، ناخودآگاه، به بخشی از پشتوانه فرهنگی خود رجوع می‌کند و آنرا بازسازی می‌کند (صباغی، ۱۳۹۱، ص. ۶۷). در این نوع بینامتنیت، مانند نوع اول، مرجع اعلام‌شده ندارد. همچنین مانند نوع دوم، سعی در پنهان‌کاری نیست و مخاطبی متوجه بینامتن آن می‌شود که به متن

پیشین آگاهی داشته‌باشد. کنایات و اشارات و... مهم‌ترین اشکال آن هستند (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۸۹). آرایه‌های بدیع تلمیح و ارسال‌المثل را می‌توان از جمله موارد آن دانست.

۱. تلمیح: تلمیح از نظر لغوی، به معنی اشاره کردن است. در علم بدیع منظور آن است که گوینده یا نویسنده‌ای در کلام خویش اشاره‌ای ظریف به آیه، حدیث، مثل، شعر یا داستان معروفی داشته‌باشد، ولی عین آن را نیاورد (همای، ۱۳۶۱، ص. ۳۸۶).

۲. ارسال‌المثل: به آوردن مثل در متن جهت دریافت بهتر مطلب و محسوس شدن مضمونی نهفته در کلام، ارسال‌المثل گویند که از صنایع معنوی است (رادفر، ۱۳۶۸، ص. ۸۵).

۳. مبانی امام خمینی (ره) در ظلم‌ستیزی

واژه مبانی جمع مَبْنِی (مصطفی، ۱۹۸۹، ص. ۷۲) و در لغت به معنای بنیادها، شالوده‌ها، بنیان و اساس یک شیء آمده است (دهخدا، ۱۳۹۱ م؛ ۵۹؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۳، ص. ۳۷۷۷). با توجه به کاربرد اصطلاح مبانی در علوم اجتماعی و انسانی، می‌توان آن را در اصطلاح، به عنوان بنیادها و اساس فکری یک تئوری اجتماعی یا فلسفی در نظر گرفت (هابرماس، ۱۴۰۰، ص. ۴۵) که با پذیرش اثباتی یا نفی این باورها و اصول پذیرفته شده و مسلم، رویکرد خاصی ایجاد می‌گردد (مؤدب، ۱۳۹۲، ص. ۲۸).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی مبانی، می‌توان اولین مبانی امام خمینی (ره) در تئوری ظلم‌ستیزی را، اقامه عدل و قسط در جامعه و امکان اقامه آن طبق آموزه‌های اسلامی اعم از قرآن و سنت و سیره معصومان (علیهم‌السلام) دانست، چنانکه فرمود: «خداوند! تو می‌دانی که ما در این قیام رضای تو را می‌خواهیم، و تو می‌دانی که ما از ظلم ولو بر یک نفر بیزاریم، و تو می‌دانی که ما برای اجرای عدالت قیام کرده‌ایم، و تو می‌دانی که از این تعدیات و ظلم‌ها بیزار و مُنَزَّحِر هستیم» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۹، ص. ۴۲۳) که با توجه به دومین مبانی ایشان، یعنی قابلیت و امکان اجرایی شدن عدالت در جامعه با تأسی و عمل مردم و مسئولان طبق سنت و سیره معصومان (علیهم‌السلام) در هر زمان، و با تشکیل حکومت اسلامی، به منصف ظهور نائل می‌گردد، زیرا عدالت رکن بقای اسلام، به خصوص حکومت اسلامی است، چنانکه فرمود: «ما باید از کیفیت حکومت حضرت امیر (علیه‌السلام) اقتباس بکنیم و یاد بگیریم؛ منتها ما نمی‌توانیم تمام آن جهات را [فراهم کنیم]، کسی نمی‌تواند



تمام آن جهات را مراعات بکند؛ یعنی يك مقدار زیادش زاید بر اصل قضیه حکومت بوده است، يك کارهای نمونه‌ای مخصوص به خود آن بزرگوار بوده است؛ لکن اصل مسئله‌ای که حکومت باید يك حکومت عادل باشد و بین مردم هیچ ظلم نکند» (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۰).

عدالت‌پروری و ظلم‌ستیزی که ملاک و معیار آن از آموزه‌های توحیدی استخراج شوند و تشکیل جامعه‌ای که هیچکس بر دیگری برتری جز به تقوا نداشته باشد و هر کس بر اساس استحقاق، از حق برخوردار گردد، مبنای امام خمینی ره در تشکیل حکومت اسلامی بوده است؛ «ما ان شاء الله امیدواریم که همه‌مان با هم اسلام را پیاده کنیم؛ همه قشرها اسلامی بشود ... عدالت اسلامی برای همه است. يك فردی نیست که به فرد دیگر تقدم داشته باشد، مگر اینکه تقوا داشته باشد» (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۲۱۲).

اتخاذ این مبانی در واقع، برگرفته از آموزه‌های وحیانی است، زیرا قرآن اقامه و گسترش عدالت در جامعه را از جمله مبانی بعثت و رسالت انبیا الهی دانسته تا مردم به اجرای عدالت در انجام امور عادت نمایند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (قرآن کریم ۵۷: ۲۵). بخشی از اقامه عدل و عدالت‌خواهی، در سایه نفی ظلم و ستمگری و حتی گرایش به ستم و ستمگران نهفته است (۱۱: ۱۳). بنابراین، چهار رکن آموزه اساسی مکتب انبیا در خصوص اقامه عدالت که امام خمینی ره بدانها توجه دارد، عبارت است از اینکه مردم و حکومت، عدل را بیای دارند که به تقوا نزدیکتر است (۵: ۸)، ستم نکنند و نیز ستم‌پذیر نباشند (۲: ۲۷۹) و به حقوق مظلومان و مستضعفان توجه نمایند (۴: ۷۵)، چنانکه فرمود: «احکام اسلام روی عدالت است. زندگی حکام با پایین‌ترین افراد، يك‌طور بوده است. رئیس مذهب ما که حکومتش وسیع بود- چندین مقابل ایران، حجاز و مصر و ایران و همه آنها تحت سیطره او بود- زندگی‌اش از همه افراد ملت پایین‌تر بود. عدالت را بالاتر از هر کس که تصور شود اجرا می‌کرد. در محکمه اگر ادعایی علیه او بود حاضر می‌شد، در محکمه می‌نشست. حکم خلاف [قاضی] را قبول می‌کرد. تشیع در عین مقاومت، عادل است؛ و عدالت یعنی: نه ظلم بکن و نه زیر بار ظلم برو» (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۵۳۳ و نیز ر.ک.: ج ۵، ص ۳۰).



به عقیده شهید مطهری، مرحله اجرایی عدل الهی، از صدر اسلام در جامعه اسلامی و در میان عموم مطرح بوده است، به‌طوری که بدیهی‌ترین نظر یک مسلمان این است که رهبر و زعیم جامعه باید عادل باشد، قاضی، شاهد حتی امام جماعت نیز باید عادل باشد. هر مسلمان نیز موظف است در قبال جایگاهی که یک مقام عادل باید داشته باشد، احساس مسئولیت کند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۹). امام خمینی ره بر اساس اعتقادش، افراد انقلابی را نیز به عدل دعوت می‌کرد و حکومت اسلامی را حکومت عدل می‌خواند؛ «همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در اینجا پاسداری این است که این حکومت، حکومت "عدل" باشد، و "پاسداری از عدالت" باشد. پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند... چنانچه اگر حکومت ما هم يك حکومت عدل نبود، نمی‌توانیم بگوییم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده» (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۱۷).

لازم به ذکر است اهمیت مقوله ظلم‌ستیزی، از جهات مختلف، همانند منشأ و سرانجام ظلم، چگونگی الگوگیری امام از معصومان علیهم‌السلام درباره ظلم‌ستیزی، توصیه‌های امام خمینی ره به مردم و مسئولان در جهت جلوگیری از ظلم و ستم قابل ارزیابی است و بررسی آن، از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی ره که با رهبری حکیمانه خویش توانست و ارایه راهکارهایی در جهت ظلم‌ستیزی مبتنی بر قرآن و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام و ایدئولوژی دینی، انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی برساند از جایگاه خاصی برخوردار است. اما هر چند امام علی علیه‌السلام و امام خمینی ره به شکل مدون، به بحث ظلم‌ستیزی و ابعاد آن نپرداخته‌اند، ولی از بیانات آنان در نهج‌البلاغه و صحیفه نور، می‌توان به شواهدی دست یافت که به‌خصوص رهنمودهای امام خمینی ره بر اساس و مبنای کلام الهی یعنی قرآن و سخنان معصومان علیهم‌السلام بیان شده است و می‌تواند شامل مباحث متعددی شود مادر این پژوهش، تنها مواردی را که امام خمینی ره در صحیفه نور، به تأسی از نهج‌البلاغه بیاناتی نموده با روش بینامتنی بررسی می‌گردد.

۴. بررسی الگوگیری امام خمینی ره درباره ظلم‌ستیزی از مکتب پیامبر اسلام و

معصومان علیهم‌السلام

امام خمینی علیه السلام، بنا بر مبانی اعتقادی خویش، به ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، توجه خاصی داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله را مظهر عدالت می‌دانست: «اسلام با ظلم مخالف است. پیغمبر اسلام ۲۳ سال جنگیده با ظلم. یکوقت با موعظه و خطابه و اینها در مکه، یکوقت با شمشیر در مدینه» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۵۴۸). امام خمینی علیه السلام در دو مکان متفاوت، ازدو شکل مبارزه ایشان یعنی، موعظه کردن و پیکار او سخن گفته است. این جمله به گونه‌ای دیگر از زبان مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام نیز بیان شده است: «گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست، انسان‌ها را به اطاعت خدا دعوت فرمود: و با دشمنان خدا در راه دین او پیکار و مغلوب‌شان کرد» (خ ۱۹۰). رابطه ایندو کلام بینامتنی، از نوع اول، آشکار-تعمدی و ترجمه معنوی است. همچنین امام برای این که به افراد ضعیف جامعه اطمینان دهد حکومت اسلامی طرفدار آنهاست، به رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر اسلام اشاره می‌کند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۱۷۱) که رابطه بینامتنی، از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ با بخشی از خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه دارد. حضرت علی علیه السلام، مرد حقّ و حقیقت بود و بر خود لازم می‌دانست طبق دستورات الهی، عدالت را در جامعه پیاده کند. از آنجا که عدالت‌گرایی، بدون ظلم‌ستیزی معنا ندارد، در منطق امام علی علیه السلام نیز، مبارزه با ستم، اساس و پایه برقراری عدل بوده و هیچ شخصیت و موقعیتی نتوانسته بود او را در این مسیر سست کند. وی بدون اغماض، حتّی اعمال خود را نیز مورد محاسبه قرار می‌داد. امام خمینی علیه السلام، به کسانی که حکومت را به دست گرفته بودند، توصیه می‌کرد که با همه افراد، سوای از دین و مذهبی که دارند، برخورد عادلانه داشته باشند: «این رئیس مذهب ما حضرت امیر علیه السلام هست که وقتی می‌شنود که یک زن ذمی را که یهودی شاید بوده است، این خلخال را از پایش لشکر کذا درآوردند، آن قدر ناراحت می‌شود، که می‌گوید اگر انسان بمیرد در یک همچو امری، سزاوار است. یک همچو حکومتی است، و چنانچه یک حکومت اسلامی به آن طوری که اسلام می‌خواهد، آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد در ایران و در سایر جاها تحقق پیدا بکند، دیگر ظلم درش بسته می‌شود، تعدیات درش بسته می‌شود» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۳۹-۴۰). امام خمینی علیه السلام در این سخن، از ترجمه بخش زیر از خطبه ۲۷ نهج البلاغه استفاده



کرده است و در موارد زیاد دیگری نیز به آن اشاره کرده است: «وَلَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَنْتَرِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرُغْثَهَا مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِزْجَاعِ وَالِاسْتِزْحَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافْرَيْنَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كُلُّهُ وَلَا أَرِيقَ لَهُمْ دُمٌ فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا» (خطبه ۲۷). در نتیجه، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و ترجمه معنوی است. امام خمینی (ره)، همواره به نیروهای نظامی هشدار می‌داد تا به مردم عادی ظلم و ستم نکنند و آنها را به نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر درباره حکومت‌داری در نهج البلاغه (نامه ۵۳)، ارجاع می‌داد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص. ۴۶۸) که رابطه بینامتنی، از نوع سوم، ضمنی و تلمیح است.

از دیدگاه شیعه، امام زمان (عج)، فریادرسی است که در روزگار ستم ظهور خواهد کرد تا عدالت را بگستراند و ظلم و بیداد را از دنیا ریشه کن کند. این امر در همه منابع دینی به خصوص شیعه مشاهده می‌شود، لاجرم در تفکر امام خمینی (ره) نیز به وضوح مشهود است. وی در سالروز ولادت حضرت ولی عصر (عج)، بیان می‌دارد: «چه مبارك است زادروز ابرمردی که جهان را از شر ستمگران و دغل‌بازان تطهیر می‌نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن‌را فرا گرفته پر از عدل و داد می‌نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می‌نماید. چه مسعود و مبارك است روزی که جهان از دغل‌بازها و فتنه‌انگیزی‌ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حيله‌گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخ‌های ستم و کنگره‌های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا و حامیان اولیا بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۴۷۲-۴۷۳). این سخن امام خمینی (ره)، می‌تواند به بخشی از خطبه ۱۵۰، اشاره داشته باشد: «بدانید، آن کس از ما (حضرت مهدی (عج)) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن‌گر در آن گام می‌نهد، و بر همان سیره و روش پیامبر (ص) و امامان رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد. جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند» (خطبه ۱۵۰). بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع سوم،

ضمنی و تلمیح است. همچنین به مناسبت میلاد حضرت ولی عصر (عج)، در تیرماه ۱۳۵۹، بر اساس روایات، مژده استقرار عدالت حقیقی در زمان مهدی موعود^{علیه السلام} را به مردم می‌دهد (امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۴۸۱-۴۸۲) که با بخشی از خطبه ۱۵۰ رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ دارد.

۱-۴. بررسی منشأ و سرانجام ظلم از منظر امام خمینی قدس سره

حب نفس و خودخواهی، در حد اعتدال که به حفظ عزت نفس بینجامد، به تنهایی عیب نیست بلکه اگر از مسیر اصلی‌اش منحرف شود، سبب می‌شود تا انسان به دلیل خواسته‌های افراطی، به منافع دیگران تعرض کند و به آنها لطمه بزند. حب نفس در صورت انحراف، از اصلی‌ترین تمایلات انسانی است که می‌تواند سرچشمه تمام رذایل و ظلم‌ها و مفسد اخلاقی باشد. از این رو، از نظر امام خمینی قدس سره، حب نفس، ریشه همه مفسد است. امام در ۹ شهریور سال ۱۳۶۱، به مناسبت میلاد امام رضا علیه السلام در جمع مسئولان بیان فرمود: «من عرض می‌کنم که اساس این گرفتاریهایی که بشر به آن مبتلاست، از زمان آدم صلی الله تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگها و ظلمها و تعدیها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است که شعبه‌هایی از این حب نفس و مظاهری که دارد که اگر ملاحظه بفرمایید، این مظاهری که پایه‌اش حب نفس است، بشر را به تباهی کشیده و می‌کشد و انبیا هم برای اصلاح این امر آمده‌اند» (امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص. ۴۵۸-۴۶۰). این کلام امام می‌تواند به بخشی از نامه ۵۳ نهج البلاغه اشاره داشته باشد: «مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی و به خوبی‌های خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک، نیکوکاران را نابود سازد» (نامه ۵۳). بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح است. و نیز در جایی دیگر، حب نفس را منشأ حب به جاه و مقام و همه انگیزه‌های شهوانی می‌شمارد (امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص. ۱۶۱-۱۶۲) که با بخشی از خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح دارد.

بعد از دانستن منشأ ظلم، ذکر این مسئله لازم است که خداوند متعال در آیات متعددی به مسلمانان وعده داده است که در هنگام تحمل سختی‌ها و ستم‌ها و مقابله با دشمنان، آنان را یاری



می‌کند و با این وعده، دل‌های مؤمنان را محکم و امیدوار نموده است. امام خمینی (ره) نیز بارها این مسئله را یادآوری کرده و در بخشی از بیاناتش فرمود: «آن روزی می‌توانیم ما و شما از تحت سیطره ظلم، ظلم قدرت‌های بزرگ، بیرون برویم که با يك میلیارد جمعیت و با آن همه ذخایری که ما داریم خودمان را پیدا کنیم و اسلام را پیدا کنیم و توجه به اسلام بکنیم و با فرمان خدا عمل بکنیم. اگر با فرمان خدا عمل بکنیم، خدای تبارک و تعالی ما را نصرت خواهد کرد: إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۱۶۵) که ممکن است اشاره به گوشه‌ای از خطبه ۱۱ داشته باشد: «اگر کوه‌ها از جای کنده شوند تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را برهم به فشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین می‌خکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم‌پوش، و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است» (خطبه ۱۱). بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح است. ایشان در جایی دیگر، ایمان به خدا را نتیجه پیروزی بر ستمگر برمی‌شمارد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۷۱) که با بخشی از خطبه ۵۶ نهج‌البلاغه، بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ دارد.

همچنین امام در تیرماه ۱۳۶۷، در پیامی خطاب به ملت ایران، به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸، ملت ایران را دل‌داری داد و به مردم فرمود که اگر صبر پیشه کنند، خداوند نیز آنان را یاری خواهد کرد (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۹۵). این فرمایش ایشان، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح با بخشی از نامه ۳۴ دارد.

خداوند متعال، در بسیاری از آیات قرآن، مژده تحقق پیروزی نهایی حق در سرتاسر دنیا و شکست ظالمان و انتقام از آن‌ها را در نهایت امر داده‌است، به‌گونه‌ایی که سرانجام، صالحان و مظلومان و مستضعفان، وارثان زمین خواهند شد و این امر از جمله عقاید اصلی مسلمانان، به‌ویژه شیعیان است؛ «من به این جنبش و بیداری عمومی که در کشورهای اسلامی عموماً و در ایران خصوصاً پدید آمده، و به این تنفر و انزجار عمومی از دستگاه‌های ظلم و وحشی‌گری و استعمار و استعمارگران، امیدها دارم. این بیداری و تنفر عمومی، موقت و زودگذر نیست و تا پایان دادن به دستگاه جباران، و خاتمه دادن به ظلم ستمکاران ادامه دارد؛ و به دنبال ظلم بی‌حد دستگاه‌های جبار و محرومیت‌های روزافزون ملت‌های ستم‌دیده انفجاری است که قدرت‌های دست‌نشانده‌ای را

که برای دربند کشیدن ملت‌ها و چاییدن مخازن آنها گماشته شده‌اند در کام خود فرو می‌برد، و انتقام الهی از ستمکاران گرفته می‌شود» (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۳، ص. ۲۶۶). این کلام امام از معنای بخشی از خطبه ۹۶ نهج البلاغه، گرفته شده است: «اگر خداوند، ستمگر را چند روزی مهلت دهد، از بازپرسی و عذاب او غفلت نمی‌کند، و او بر سر راه، در کمین‌گاه ستمگران است، و گلوی آنها را در دست گرفته تا از فرو رفتن آب دریغ دارد» (خطبه ۹۶). بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است. امام در چند مورد از سخنرانی‌هایش، با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: لَا يَزَالُ يُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِالرُّجُلِ الْفَاجِرِ (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۱۷۰)، این مسئله را یادآور شد که اگر افرادی تحت لوای دین به مردم ظلم کنند، سرانجام آن دین، تباهی است. چراکه مظلومان دیگر پناهی ندارند و از دین جدا می‌شوند (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۸، ص. ۲۷۳). این کلام امام با بخشی از خطبه ۲۱۶، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ دارد.

امام خمینی ره درباره فلسطین نیز بیانات زیادی ایراد کرد و همواره آرزو داشت شرّ ظلم و ستم اشغالگران صهیونیستی از بین برود (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۲۲۹-۲۳۰) که این سخن وی، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح با بخشی از خطبه ۱۰۶ نهج البلاغه دارد. همچنین در مرداد ۱۳۸۵، به مناسبت روز قدس، پیشنهاد تأسیس حزب مستضعفین را به همه مظلومان دنیا می‌دهد (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۹، ص. ۲۸۰) که اشاره به حکمت ۲۰۹ نهج البلاغه دارد و رابطه بینامتنی آن از نوع سوم، ضمنی و تلمیح است. امام خمینی ره با بیان به منشأ ظلم و وظایف افراد در برابر بیداد و ستم، و اعتقاد به اینکه خداوند در این راه بندگان مظلومش را در صورتی که خواهان تغییر باشند تنها نخواهد گذاشت: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (قرآن کریم ۱۳: ۱۱) نیز (قرآن کریم ۴: ۱۴۷ و ۷۵)، توصیه‌های ذیل را خطاب به مردم و مسئولان فرمودند.

۴-۲. بررسی توصیه‌های امام خمینی ره به مردم و مسئولان جهت جلوگیری از ظلم

و ستم

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، آنچه به یک حکومت بها می‌دهد، برقراری عدالت است: «إِعْدِلْ تَمْلِكْ؛ دادگری کن تا حکومت کنی.» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹، ص. ۸۹۴). تعدی در میان افراد جامعه، زمانی



رایج می‌گردد که مردم شاهد باشند رهبرانشان، در حق آنها ستم کرده‌اند یا قوانین جهت رفع ناعدالتی‌ها و ستم‌ها را در جامعه، اجرا نمی‌کنند. این بخش، مجموعه‌ای است از راه‌کارهایی که امام خمینی (ره) برای مبارزه با ظلم به مسئولان و مردم بیان داشته است و از آنجا که در برخی موارد، مخاطب هر دو صنف بوده‌اند، یکجا بیان شده‌اند. این توصیه‌ها را تحت عناوینی می‌توان قرارداد که در ذیل بررسی می‌شود.

۴-۲-۱- لزوم خوش‌رفتاری و جدا نبودن حکومت از مردم

از جمله آفت‌های یک حکومت اسلامی، جدایی مسئولان از مردم و رفتار مستبدانه آنها با مردم است. در مکتب الهی، پیامبران و رهبران (علیهم‌السلام)، از میان مردم قوم‌شان مبعوث شده بودند و جدای از آنها نبودند. افزایش فاصله کارگزاران حکومتی با آحاد مردم، سبب احساس یأس در میان جامعه می‌شود و می‌تواند زمینه ظلم و ستم بر اقشار جامعه را فراهم آورد. امام خمینی (ره)، همواره یادآوری می‌کرد خوش‌رفتاری، وظیفه مسئولانی است که در ارتباط با افرادند، به گونه‌ایی که مردم از برخورد با آنها هراسی در دل نداشته باشند. از این‌رو، در یکی از سخنرانی‌هایش، به مأموران نیروی انتظامی، هشدار می‌دهد تا با مردم با ملایمت رفتار کنند؛ «برادرها! همه مردم با شما، با بالاترین یک جورند. اگر با مردم خوب رفتار نکنید، برای خودتان هست. و اگر با مردم خدای نخواست به رفتار کنید، به ضرر خود شماست. آن قدر که ظالم ضرر می‌برد از ظلمش، مظلوم از ظلم ظالم آن قدر ضرر نمی‌برد. ما و شما یک روزی در بارگاه الهی، پیشگاه الهی خواهیم رفت و آن روز از ما سؤال خواهد شد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص. ۳۷۲). امام در قسمتی از سخنش، از معنای کلام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نیز، استفاده کرده است: «ستمکاری کسی که بر تو ستم می‌کند در دیده‌ات بزرگ جلوه نکند، چه او به زبان خود، و سود تو کوشش دارد، و سزای آن کس که تو را شاد می‌کند بدی کردن نیست» (نامه ۳۱). بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است. امام در جمع فرمانداران، جدایی دولت‌ها از ملت‌ها منشأ همه گرفتاریهایی که در یک کشور تحقق پیدا می‌کند، دانست (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۹، ص. ۱۱۸) که رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ دارد.

۴-۲-۲. یاری مظلومان

یاری رساندن به ستم‌دیدگان، بر کسانی که ندای استغاثه آنها را می‌شنوند، واجب است. چنانچه مولای متقیان فرموده است: «أَحْسَنُ الْعَدْلِ نُصْرَةُ الْمَظْلُومِ؛ نیکوترین عدل، یاری کردن



ستمیدیده است» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹، ص. ۸۹۴). و لذا در قرآن و روایات، به خصوص نهج البلاغه، به این فریضه دینی اشاره شده است. امام خمینی علیه السلام نیز براساس آموزه‌های دینی، چندین بار به این مسئله اذعان داشت و طرفداری از مظلوم را وظیفه هر مسلمانی می‌دانست؛ «ما طرفدار مظلوم هستیم. هر کس در هر کجا که مظلوم باشد ما طرفدار او هستیم. فلسطینی‌ها مظلوم هستند. اسرائیل به آنها ظلم کرده است، به این جهت ما طرفدار آنها هستیم» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۱۴۶). این سخن امام، اشاره به بخشی از خطبه ۲۰۵ نهج البلاغه دارد: «خدا رحمت کند آن کس را که حقّی را بنگرد و یاری کند، یا ستمی مشاهده کرده آن را نابود سازد، و حق را یاری داده تا به صاحبش بازگردد» (خطبه ۲۰۵). بنابراین، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح است. همزمان امام به یاری نکردن ظالمان نیز تأکید بسیار داشت و مسلمان با ظالمان آشتی نمی‌کند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۳، ص. ۴۵۱) که با بخشی از نامه ۴۷ که در آن حضرت علی علیه السلام دستور به دشمنی با ستمگر و یاری مظلومان می‌دهد، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حسن اتباع دارد. در جایی دیگر (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۱۵۶-۱۵۸) با همان کلام حضرت علی علیه السلام، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح دارد.

۴-۲-۳. حفظ وحدت و برادری

اساس دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، بر مبنای برادری و اخوت میان همه مسلمانان بود و در هر شرایطی، برای وحدت به آنها توصیه می‌کردند، زیرا معنای کامل توحید، در جامعه اسلامی، با وجود حرکت یکپارچه و همه‌جانبه همه افراد جامعه با رویکرد خداگرایانه، امکان ظهور می‌یابد. حفظ وحدت و انسجام، رابطه مستقیمی با برخوردها و رفتارهای عادلانه حکومت دارد. به‌طوری که عدالت سبب قوام و استمرار جامعه انسانی می‌شود و مهمترین عامل نگهدارنده حکومت هاست. بنابراین، برای برقراری عدالت در جامعه نیز نیاز به اتحاد است. امام خمینی علیه السلام وحدت ملت را به‌عنوان «رمز پیروزی انقلاب اسلامی» تلقی می‌کرد و حفظ همبستگی و وحدت جامعه را وظیفه بزرگ مسلمانان می‌دانست (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۹). امام خمینی علیه السلام، در خرداد ۱۳۵۹، در جمع نمایندگان اولین دوره مجلس شورای اسلامی، ضمن تشریح وظایف وکلای



ملت، تأکید به وحدت دولت و مجلس کرد و فرمود که اختلاف و تضعیف یکدیگر، عامل انحطاط و سقوط خواهد بود و زمینه سلطه ستمگران را هموار می‌کند. ایشان بیان داشت: «اگر یکی از این طرف برود و یکی از آن طرف برود، و یکی يك چیزی بگوید و یکی يك چیز دیگری بگوید و جبهه‌بندی بشود، و دولت با مجلس، و مجلس با دولت و همه با هم به هم بریزند، ممکن است که عنایت خدا به واسطه کفران نعمت برداشته بشود، و ما انحطاط همه چیز پیدا بکنیم، و کشورمان باز برگردد به حال سابق، به همان ظلم‌ها و همان ستم‌هایی که همه دیدید و همه دیدیم.» (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص. ۳۴۸). معنای این کلام امام خمینی ره، در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، درباره احوالات امت‌های پیشین، به چشم می‌خورد: «پس اندیشه کنید که چگونه بودند آنگاه که: وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنان یکسان، و دست‌های آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری‌کننده، نگاه‌ها به يك سو دوخته، و اراده‌ها واحد و هم‌سو بود آیا در آن حال مالك و سرپرست سراسر زمین نبودند و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند پس به پایان کار آنها نیز بنگرید در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت، و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از نشان بیرون آورد، و نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت، و داستان آنها در میان شما عبرت‌انگیز باقی ماند» (خطبه ۱۹۲). بنابراین، به نظر می‌رسد، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ باشد. در این بین، امام، مردم را متوجه توطئه فتنه‌گران می‌کند. چراکه یکی از راه‌های براندازی یک جامعه موفق، ایجاد تفرقه و اختلاف بین افراد جامعه است که بدخواهان همواره به دنبال آن هستند (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۷، ص. ۱۶۱) که مشابه این سخن از نظر معنا در بخشی از خطبه ۱۲۱ نهج البلاغه دیده می‌شود و رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی، حلّ می‌باشد.

۴-۲-۴. مقابله با تجاوز دشمنان

خداوند در قرآن، در آیات زیادی، نه تنها ملت‌ها را از ستمگران برحذر داشته‌است، بلکه به مبارزه علیه آنان فرمان داده است. به وضوح در آیات قرآن، مسلمانان به جنگ با دشمن فراخوانده شده‌اند. البته در بیشتر موارد، این جنگ و مبارزه، دفاع در مقابل تعدّی و تجاوز دشمن است که به هیچ وجه قابل اغماض نیست، هرچند که همه دارایی و جان افراد از دست برود. امام خمینی ره،



نتیجه تجاوز آشکار صدام به خاک ایران را شکست حتمی می‌داند و از مسئولان بین‌المللی می‌خواهد تا به تجاوزات صدام جنایتکار رسیدگی کنند. وی بیان می‌دارد که بی‌تفاوتی جهانی نسبت به این مسئله، باعث جسور شدن متجاوزانی مانند صدام می‌شود و صلح و ثبات دنیا به هم خواهد ریخت؛ «ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است. ما انتظار داریم تا هیأتی به تجاوزات و جنایات رسیدگی کامل نماید و ظالم و متجاوز را معرفی نموده و با آن، طوری عمل کنند تا عبرتی برای متجاوزان به حقوق بشر گردد؛ و با این شیوه نیز می‌توان صلح و آرامش را به جهان برگرداند. غمض عین از جنایتکاران و نادیده گرفتن جنایات ستمگران، راه را برای ظالمان باز و دنیا را به هلاکت خواهد کشاند» (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۲۵۰). حضرت علی علیه السلام، نیز در نامه ۴۷ خویش که در واقع وصیتنامه اخلاقی ایشان تلقی می‌شود، به این مهم سفارش می‌کند که اگر جلوی اشرار گرفته نشود، کل جامعه به دردسر خواهند افتاد. اشاره امام خمینی ره می‌تواند به بخشی از نامه ۴۷ نهج البلاغه باشد: «امر به معروف و نهی از منکر را ترك نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هرچه خدا را بخوانید جواب ندهد» (نامه ۴۷). بنابراین، رابطه بینامتنی این سخن امام، از نوع سوم، ضمنی و تلمیح است.

بی‌شک حضرت امام، از ابتدای نهضت، تا آخر عمر خویش با زورگویان مبارزه می‌کرد و همواره مردم را نیز به قیام دعوت می‌کرد (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۲۳۶). بخشی از این سخنان امام برگرفته از کلام امیر المؤمنین است و با حکمت ۳۷۳ نهج البلاغه رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است. ایشان سکوت در مقابل ستمکاران و متجاوزان را به شدت نهی می‌فرمود (امام خمینی ره، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص. ۳۳۸)، همانگونه که حضرت علی علیه السلام در خطبه سوم اشاره به عدم سکوت علماء در برابر ستمگران کرده‌است، بنابراین، رابطه بینامتنی سخنان این دو بزرگوار، از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است.

۴-۲-۵. توجه مسئولان به مستضعفان جامعه

کسانی که در جریان مبارزات امام خمینی ره و مردم ایران برضد رژیم طاغوت بوده‌اند، به‌خوبی می‌دانند که طبقات مستضعف، نقش بسیار بزرگی در سرنگونی رژیم ستمگر شاهنشاهی و بعد از آن در تثبیت انقلاب اسلامی ایران، داشته‌اند. انقلاب اسلامی ایران، یکی از مصادیق نهضت‌های



آزادخواه افراد مستضعف، با محوریت اسلام است. بنابراین، از مهم‌ترین آرمان‌های امام راحل، حمایت از محرومان و تحقق عدالت اجتماعی در ایران اسلامی بود امام در سخنرانی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، پس از رأی قاطع ملت به جمهوری اسلامی، توصیه‌هایی به مسئولان وقت می‌کند که از جمله آن، تقویت مستضعفین و توجه به حقوق آنهاست؛ «و باید اشخاصی که ظالم هستند و به زیردست‌ها ظلم کردند، باید آنها دیگر ظلم نکنند. طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود. تمام اینها در جمهوری اسلامی باید عمل بشود... باید مستضعفین را حمایت بکنند، باید مستضعفین تقویت بشوند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۴۶۰). از سوی دیگر، همان‌طور که از سخنان حضرت علی (ع) برمی‌آید و تاریخ نیز گواهی می‌دهد، امیرالمؤمنین (ع)، در تمام طول عمر پربرکتش، به خصوص زمانی که در مسند خلافت بود، همواره به اقشار ضعیف جامعه توجه می‌کرد و از آنان حمایت می‌کرد. ایشان در بخشی از نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر فرمود: «سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان... همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان... سپس در رفع مشکلاتشان به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند» (نامه ۵۳). از آنجا که یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی ایران نیز، مبارزه با مستکبرانی بود که به ضعیفان ستم می‌کردند، این مطلب در سخنان امام نیز عیان است. بنابراین، رابطه بینامتنی این دو متن، از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است. همچنین امام حمایت از مستضعفان را طریق اسلامی معرفی می‌کند (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص. ۱۹۶-۱۹۷). که اشاره به بخشی از نامه ۵۳ نهج البلاغه دارد و رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح دارد.

۴-۲-۶- احترام متقابل

یکی از شعارهایی که امام خمینی (ره)، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، مد نظر داشته و در مواقع زیادی آن را بیان فرموده، این مطلب بود که ما نه به کسی ظلم می‌کنیم و نه ظلم کسی را می‌پذیریم. وی در بهمن ۱۳۵۹، در سخنرانی که در حضور سفیران و دیپلمات‌ها و وابستگان نظامی کشورهای خارجی مقیم ایران، انجام شد، ظلم‌ناپذیری و مبارزه با ظلم را در مکتب اسلام



تشریح می‌کند؛ «ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم؛ نه ظالم باشیم و نه مظلوم. ما در طول تاریخ مظلوم بودیم. از همه جهات مظلوم بودیم. و ما امروز می‌خواهیم که مظلوم نباشیم؛ و ظالم هم نباشیم» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص. ۸۱).

نیز، حضرت علی علیه السلام در بخشی از نامه ۳۱، این مطلب را بیان فرموده‌اند و امام خمینی علیه السلام از معنای آن استفاده کرده است: «ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم پسند، ستم روا مدار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود» (نامه ۳۱). در نتیجه، می‌توان، رابطه بینامتنی میان این دو سخن را از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ دانست. امام در موارد زیادی این نکته را یادآوری می‌کند از جمله در روابط با غرب خواستار احترام متقابل بوده (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۳، ص. ۵۱۴) که در آنجا نیز رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ مشاهده می‌شود.

۴-۲-۷- توجه به قضاوت عادلانه در کشور

تشکیل دستگاه قضاوت عادل، پیش‌نیاز برپایی عدالت در جامعه است. اسلام، برای رفع مشکلات اجتماعی، وجود افراد شایسته در امر قضاوت را، ضروری می‌داند. حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده است: «إِنَّ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ تُنْصِفَ فِي الْحُكْمِ وَ تَجَنَّبَ الظُّلْمَةَ؛ براستی که از جمله داد آن است که در حکم انصاف به کاربری و از ستم دوری نمایی» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹، ص. ۸۹۵). شغل قاضی در اسلام از حرفه‌های بسیار حساس جامعه، تلقی می‌شود و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حکومت اسلامی، موظف است در هنگام انتخاب قاضی، به عناصری مانند تقوی، عدالت، آگاهی و رأفت او توجه کند. بنابراین، این مسائل مورد توجه امام خمینی علیه السلام نیز بوده است؛ «قاضی باید نسبت به همه علی السّوا باشد، نظرش يك جور باشد. از آداب قضای اسلامی یکی این است که وقتی نگاه هم می‌خواهد بکند به طرفین، یکی را بیشتر نگاه نکند از دیگری، علی السّواء باشد. در نشستن جوری نباشد که یکی بالاتر بنشینند، یکی پایین‌تر بنشینند» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص. ۲۹۱-۲۹۲). به نظر می‌آید امام از معنای متن بخشی از نامه ۲۷ نهج البلاغه استفاده کرده باشد: «با مردم فروتن باش، نرمخو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت، و در نیم‌نگاه و



خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند، و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند، زیرا خداوند از شما بندگان در باره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان خواهد پرسید، اگر کیفر دهد شما استحقاق بیش از آن را دارید، و اگر ببخشد از بزرگواری اوست» (نامه ۲۷). در نتیجه، رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است. امام در جمع قوه قضایی فرمود که خدمت در قضا خدمت بزرگی است و این افراد باید قضاوت اسلامی را بدانند (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص. ۲۳۲). این بخش از سخن امام رابطه با بخشی از نامه ۵۳ نهج البلاغه، رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح دارد.

۴-۲-۸- توجه به مسائل اقتصادی در جامعه

یکی از بارزترین مفاهیم افتخارآمیز اسلام، عدالت اقتصادی است که همواره در طول تاریخ، سبب گرایش فطرت‌های عدالت‌جو بوده است (نصراصفهانی و اکبری، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۹). مسائل اقتصادی، به‌نوبه خود، سهم به‌سزایی در تحقق عدالت در جامعه دارند. به‌عنوان مثال، گرانفروشی و احتکار یکی از مصادیق بارز ظلم اقتصادی است که باعث می‌شود امنیت روانی جامعه از بین برود و بار سنگینی بر دوش طبقه ضعیف جامعه قرار گیرد. در قرآن و روایات، مردم از فساد اقتصادی نهی شده‌اند، چراکه این عمل ظالمانه، جامعه را دچار فساد و تباهی می‌کند. بر این اساس امام خمینی (ره) نیز متوجه این امر مهم بود و به شدت از آن نهی می‌کرده است؛ «برای حفظ نوامیس و شرف خود صبر را پیشه کنید، و به‌خاطر بعض کمبودها و گرانی اجناس، سستی به خود راه ندهید. گرانفروشان و محتکران بی‌انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است، امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود، کوشش در تضعیف اسلام است. این جانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای نخواستہ تر و خشک با هم بسوزند و راه‌گریزی در کار نباشد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص. ۳۹۱). او در این سخن از معنای بخشی از کلام امیرالمؤمنین در نامه ۵۳، بهره‌برده است: «این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند. و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیان‌بار، و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا

جلوگیری کن، که رسول خدا ﷺ از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به‌سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زیبایی نرساند» (نامه ۵۳). بنابراین، بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و حلّ است. همچنین امام اهمیت قرض الحسنه را گوشزد کردند و ربا را از جمله مفسد اقتصادی در جامعه دانست که ظلم بزرگی در اسلام تلقی می‌شود (امام خمینی قزوینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص. ۴۲۶-۴۲۷) که اشاره‌ایی به بخشی از خطبه ۱۷۵ نهج البلاغه دارد و رابطه بینامتنی از نوع سوم، ضمنی و تلمیح دارد.

نتیجه:

در این جستار، بعد از بیان روش بینامتنیت و مبانی نظری امام خمینی قزوینی درباره ظلم‌ستیزی، سخنان امام با نهج البلاغه در سه بخش مورد بررسی قرار گرفت.

۱- در اولین بخش از سخنان امام، الگوگیری ایشان از پیامبر اکرم ﷺ و معصومان علیهم‌السلام، بیان شد که از ۶ مورد، چهار مورد از نوع اول، آشکار-تعمدی بوده که دو گونه فرعی آن از نوع حلّ و دو گونه دیگر از نوع ترجمه معنوی بوده. همچنین دو مورد رابطه از نوع سوم، ضمنی و تلمیح مشاهده شد.

۲- دومین مبحث تحت عنوان منشأ و سرانجام ظلم بود که از ۹ مورد، ۳ مورد از نوع اول، آشکار-تعمدی و گونه فرعی حلّ بوده و ۶ مورد دیگر از نوع سوم، ضمنی و تلمیح بوده است.

۳- آخرین بخش از بیانات امام خمینی قزوینی شامل توصیه‌هایی به مردم و مسئولان بوده که در جدول زیر به نمایش درآمده است و بیشترین تعداد از نوع آشکار-تعمدی و گونه فرعی حلّ بوده است.

۴- در هر بخش، ضمن بیان انواع روابط بینامتنیت، تعداد آنها نیز ارائه شده که در مجموع بیشترین فراوانی رابطه بینامتنی از نوع اول، آشکار-تعمدی و از گونه فرعی حلّ بوده و از آنجا که اندیشه‌های امام به‌طور واضح برگرفته از متون و معارف اسلامی بود، دور از انتظار نبود.

درنهایت، همسویی نظر امام خمینی قزوینی با اندیشه علوی به‌منصه ظهور درآمد. با تأمل در اهداف جمهوری اسلامی ایران و بررسی روابط بینامتنی بیانات امام، به‌عنوان بینانگذار آن، با فرمایشات مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام، می‌توان دریافت که اصلی‌ترین هدف انقلاب اسلامی، انقلاب علیه ظلم و بی‌عدالتی‌ها بوده است. مسلم است که باید تمام هم و غم مسئولان و به تبع آنان

همه مردم ایران کمک به برقراری عدالت در کشور باشد. از این رو، تمسک به اندیشه‌های والای امام می‌تواند چراغ راهی جهت برقراری عدالت و رفع استیلاي ستمگران بر کشور عزیزمان ایران، باشد.

جدول : تعداد روابط بینامتنی فرمایشات امام خمینی ره در مورد ظلم ستیزی با نهج البلاغه

با توجه به زیربخش‌ها:

عنوان	الگوگیری امام خمینی درباره مکتب پیامبر اسلام و معصومان علیهم‌السلام	مشاوره سراجا م ظلم از منظر امام خمینی	لزوم خوش رفتاری و جدا نبودن حکومت از مردم	یاری مظلومان	حفظ وحدت و برادری	مقابله با تجاوز دشمنان	توجه حکومت به مستضعفان جامعه	احکام متقابل	توجه به قضاوت عادلانه در کشور	توجه به مسائل اقتصادی در جامعه	ردیف	ردیف
بیانیت آشکار-تعمدی	تولید: ۰ حسن اتباع: ۰ تعداد اقتباس: ۰ تعداد حل: ۲ ترجمه: ۲ تعداد	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۳ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۲ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۱ تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۲ تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۲ تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۱ تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۲ تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۱ تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰ تعداد ۱ تعداد ۰ تعداد ۰	۹۱	۰ ۱ ۱ ۶ ۲
بینامتنی ضمنی	تلمیح: ۲ تعداد ارسال المثال: ۰ تعداد	تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۳ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۱ تعداد ۰	تعداد ۱ تعداد ۰	تعداد ۰ تعداد ۰	تعداد ۱ تعداد ۰	تعداد ۱ تعداد ۰	۱۴	۱ ۴ ۰
جمع	۶	۹	۲	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۳	۳

و روابط بینامتنی آنها با نهج البلاغه

ظلم ستیزی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بیانات امام خمینی ره





منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ۱۳۸۹ ش، سیدرضی، ترجمه: محمد دشتی. قم: اشکذر.

۱. احمدی، بابک. ۱۳۷۰ ش. *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
۲. انوشه، حسن. ۱۳۸۱ ش. *فرهنگ نامه ادبی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. ایرنا ریما، مکاریک. ۱۳۸۴ ش. *دانش نامه نظریه های ادبی معاصر*، ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.
۴. خمینی قدس سره، روح الله، ۱۳۸۹ ش. *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۱ ش. *فرهنگ لغت نامه*. تهران: انتشارات دهخدا.
۶. رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۶۸ ش. *فرهنگ بلاغی ادبی*. تهران: اطلاعات.
۷. شیخ الاسلامی، سید حسین. ۱۳۷۹ ش. *گفتار امیر المؤمنین علی علیه السلام همراه با ترجمه فارسی هدایه العلم و غرر الحکم*، قم: انصاریان.
۸. متقی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ ق. *کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال*، بیروت: مؤسسة الرسالة لبنان.
۹. مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۶ ش، چاپ ششم، تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۵ ش. *سیری در ساحل بینش و منش حضرت امام خمینی قدس سره*. با تدوین و نگارش علی احمدی خواه، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
۱۱. مصطفی، ابراهیم و دیگران، ۱۹۸۹ ق. *المعجم الوسیط*، چاپ دوم. قاهره - مصر: دار الدعوة.
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ ش، *عدل الهی*، مجموعه آثار شهید مطهری ج/۱، تهران: صدرا.
۱۳. معین، محمد، ۱۳۶۰ ش، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۴. مؤدب، سید رضا، ۱۳۹۲ ش. *مبانی تفسیر قرآن*. چاپ ۳، قم: دانشگاه قم.
۱۵. نامور مطلق، بهمن، ۱۳۹۴ ش، *درآمدی بر بینامتنیت*، تهران: سخن.

۱۶. نصر اصفهانی، رضا و نعمت‌الله اکبری. ۱۳۷۹ ش. *جنگ فقر و غنا از دیدگاه امام خمینی (ره) در کتاب بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)*، تهران: ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره)، صص ۱۹۷-۲۳۵.
۱۷. هابرماس، یورگن. ۱۴۰۰ ش. *نظریه کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی. تهران: انتشارات مرکز.
۱۸. همایی، جلال‌الدین، ۱۳۶۱ ش. *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: توس.
- مقالات**
۱۹. آذر، اسماعیل. ۱۳۹۵ ش. *تحلیلی بر نظریه‌های بینامتنیت ژنتی، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، ش ۳، صص ۱۱-۳۱.
۲۰. صباغی، علی. ۱۳۹۱ ش. *بررسی تطبیقی محورهای سه‌گانه بینامتنیت ژنت و بخش‌هایی از نظریه بلاغت اسلامی. پژوهش‌های ادبی*، ش ۳۸، صص ۵۹-۷۰.
۲۱. مرتضایی، سیدجواد. ۱۳۹۳ ش. *از توارد تا سرقت ادبی. فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، ش ۱، صص ۵۹-۶۸.
۲۲. نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۶ ش. *ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها. پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۵۶، صص ۸۳-۹۸.

